

پویایی‌های کلان اقتصادی مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار در کشورهای منا: رهیافت $PANEL VAR$ ^۱

تیمور محمدی^۲

فاطمه عزیزخانی^۳

حسن طایی^۴

جاوید بهرامی^۵

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۸/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۲

چکیده

مطالعات حاکی از آن است که وجود قوانین سختگیرانه در بازارهای محصول و کار، یکی از عوامل اصلی ایجاد نرخ‌های بالای بیکاری و سطح پایین اشتغال است. با توجه به اینکه کشورهای منطقه منا (کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) تا حدود زیادی با قوانین زاید و پیچیده درگیر هستند، از این رو، مطالعه پویایی کلان مقررات‌زدایی می‌تواند افق مشخصی را در مسیر قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کشورهای اشاره شده، قرار دهد. برای این منظور در این مطالعه تاثیر مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری در ۲۰ کشور منا با روش GMM و رهیافت $PANEL VAR$ طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار در کوتاه‌مدت باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری می‌شود و آثار رکودی دارد، اما در بلندمدت افزایش رشد اقتصادی و کاهش بیکاری را به همراه خواهد داشت. برخلاف مقررات‌زدایی در بازار محصول، مقررات‌زدایی در بازار کار منجر به پویایی‌های بزرگ در رشد اقتصادی و اشتغال نمی‌شود. در کشورهای منطقه منا، مقررات‌زدایی در بازار محصول نسبت به بازار کار در اولویت قرار دارد، زیرا دارای میزان اثرگذاری از حیث طول موج و زمان ماندگاری قوی‌تری است.

واژگان کلیدی: نرخ بیکاری، رشد اقتصادی، کشورهای منطقه منا، مقررات‌زدایی.

طبقه‌بندی JEL: $J38, E24, J64, K20$

-
- ۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است.
 - ۲- دانشیار، گروه اقتصاد نظری، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: atmahmadi@gmail.com
 - ۳- دانشجوی دکتری اقتصاد، پردیس دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی: fatemehazizkhani@gmail.com
 - ۴- دانشیار، گروه برنامه ریزی و توسعه اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی: taee.ha@gmail.com
 - ۵- دانشیار، گروه اقتصاد بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبائی، پست الکترونیکی: Javid_bahrami@yahoo.com

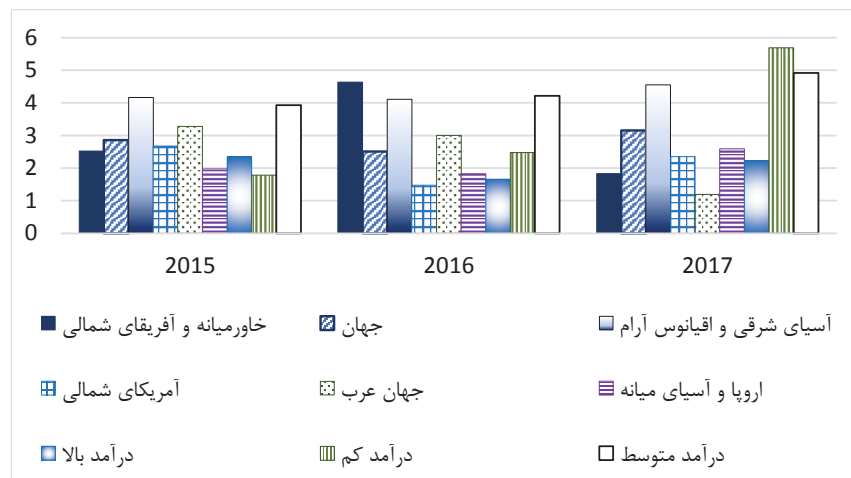
۱- مقدمه

شواهد نشان می‌دهد تنش‌های ژئوپولیتیک موجب تداوم سیر نزولی رشد اقتصادی در منطقه منا^۱ (کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا) شده است. پیچیدگی تحولات سیاسی منطقه، چالش‌های امنیتی و شعله‌ور شدن درگیری‌های منطقه‌ای، فشار مضاعفی بر دورنمای رشد اقتصادی کشورهای منا وارد آورده است. نمودار رشد اقتصادی منطقه منا در مقایسه با مناطق دیگر دنیا، نشان می‌دهد که نوسان رشد اقتصادی در این منطقه بیشتر از مناطق دیگر جهان است. به بیان دیگر، ثبات اقتصادی در کشورهای منطقه منا به مراتب کمتر است. امنیت پایین سرمایه‌گذاری به دلیل درگیری‌های متعدد نظامی و سیاسی و همچنین نوسان درآمدی کشورهای وابسته به نفت - که عموماً در این منطقه هستند - می‌تواند دلایل اصلی این پدیده (ثبات اقتصادی پایین) باشند. رشد تولید ناخالص داخلی در منطقه منا در سال ۲۰۱۴ حدود ۲/۶ درصد بوده که کمی بیش از ۲/۳ درصد ثبت شده در سال ۲۰۱۳ است. میزان رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۵ با کاهش ۰/۱ درصدی به ۲/۵ درصد و در سال ۲۰۱۶ با افزایش قابل ملاحظه‌ای به ۴/۶ درصد رسیده است، اما دوباره این نرخ در سال ۲۰۱۷ کاهش داشته و به ۱/۸ درصد رسیده است. بدیهی است که این میزان رشد اقتصادی بسیار کمتر از آن است که بتواند نرخ بالای بیکاری فعلی در این منطقه را کاهش دهد.

دو نمودار (۱) و (۲) به ترتیب متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در مناطق مختلف جهان (درصد) و نرخ بیکاری و نرخ مشارکت در مناطق مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۵ را نشان می‌دهد.

1- Middle East & North Africa: MENA

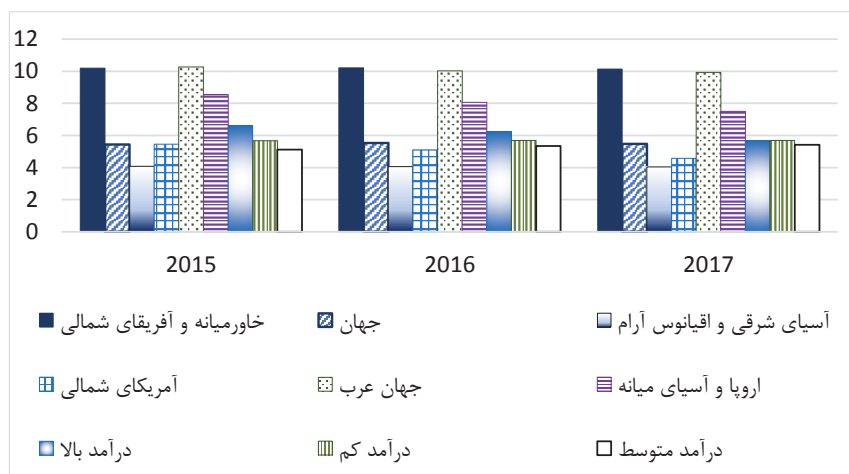
یمن، مراکش، الجزایر، سوریه، عمان، تونس، لیبی، امارات متحده عربی، اردن، لبنان، ایران، کویت، عراق، قطر، عربستان سعودی، رژیم اشغالگر قدس، مصر، بحرین



نمودار ۱- متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی در مناطق مختلف جهان (درصد)

ماخذ: بانک جهانی و سازمان OECD، ۲۰۱۸

بازار کار در منطقه منا تحت تاثیر مساله عدم ثبات سیاسی است که از سال ۲۰۱۱ این منطقه را فرا گرفته و تنها منطقه در جهان است که میانگین نرخ بیکاری در آن، دو رقمی است. بازار کار غالب کشورهای منا از جمله مصر، ایران، تونس و... شباهت‌های خاصی با یکدیگر دارند؛ از آن جمله می‌توان به نرخ مشارکت پایین، بیکاری بالای جوانان به خصوص جوانان تحصیل کرده، سهم بالای جوانان از جمعیت، رشد قابل ملاحظه سطح تحصیلات جمعیت جوان، مشارکت پایین زنان در بازار کار و در عین حال بیکاری بالای زنان، قوانین سخت‌گیرانه در اخراج نیروی کار و مواردی از این دست اشاره کرد.



نمودار ۲- نرخ بیکاری و نرخ مشارکت در مناطق مختلف جهان (۲۰۱۵-۲۰۱۷)

ماخذ: سازمان جهانی کار، ۲۰۱۸

آمار و ارقام سازمان جهانی کار نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۱ نرخ بیکاری منطقه منا از ۱۰/۸ درصد به ۱۱/۶ درصد برای سال ۲۰۱۳ افزایش داشته، در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ به ۱۱ درصد و در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ترتیب به ۱۰/۲ و ۱۰/۱ درصد کاهش داشته است. با وجود روند کاهشی، اما همچنان نرخ بیکاری در این منطقه بالاترین نرخ در جهان است به گونه‌ای که نرخ بیکاری جوانان از ۲۹/۵ درصد در سال ۲۰۱۴ به حدود ۲۹/۸ درصد در سال ۲۰۱۵ رسیده و به ۲۹/۹ درصد در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ افزایش داشته است. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد آن است که به دلیل ورود انبوه جوانان به بازار کار، کاهش بیکاری به ویژه در میان جوانان امکان‌پذیر نیست.

به‌طور کلی ۲۶/۲ درصد از جمعیت منطقه منا، جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله هستند که این نرخ در کل جهان معادل ۲۲/۴ درصد است (UNDESA، ۲۰۱۷) در این منطقه سطح تحصیلات جوان به میزان قابل توجهی افزایش یافته است در حالی که مابه‌ازایی در سمت تقاضای بازار

کار (بنگاه‌های خصوصی) وجود ندارد، بنابراین، یک شکاف و عدم تطابق^۱ عمیق بین سمت عرضه و تقاضای بازار کار رخ داده است و منجر به افزایش نرخ بیکاری گروه‌های تحصیل کرده شده است. باید توجه داشت که این روند، یک مسیر ناگزیر در منطقه منا (به ویژه کشورهای منطقه خاورمیانه) نبوده و اگر دولت‌های منطقه با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی صحیح، هدف اصلی خود را به توسعه فعالیت بنگاه‌های اقتصادی اختصاص می‌دادند و ایجاد محیط کسب و کار رقابتی را در دستور کار خود قرار می‌دادند، تقاضای بنگاه‌های اقتصادی برای جذب افراد تحصیل کرده افزایش می‌یافت، چرا که بنگاه‌ها برای ارتقای بهره‌وری و افزایش توان رقابت خود، نیازمند نیروی کار متخصص تری خواهند بود.

جدول ۱- تحولات شاخص‌های بازار کار در منطقه منا

عنوان	سال	۲۰۰۹	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷
نرخ مشارکت نیروی کار	۴۸	۴۹/۴	۴۹/۶	۴۹/۷	۴۹/۸	۴۹/۸
نرخ بیکاری (مجموع)	۱۰/۵	۱۱/۷	۱۱/۷	۱۱/۶	۱۱/۶	۱۱/۶
نرخ بیکاری جوانان	۲۴/۰	۲۹/۵	۲۹/۸	۲۹/۹	۲۹/۹	۲۹/۹
رشد اشتغال	۲/۹	۲/۳	۲/۳	۲/۳	۲/۲	۲/۲
رشد اشتغال جوانان	-۰/۲	-۱/۶	-۱/۲	-۰/۸	-۰/۴	-۰/۴

ماخذ: World Employment and Social Outlook- Trends 2018.p58

علاوه بر تشابه ساختار جمعیتی و سمت عرضه نیروی کار، در سمت تقاضای نیروی کار نیز ساختار بنگاهداری و محیط کسب و کار کشورهای منا تا حد قابل توجهی مشابه یکدیگر است؛ مداخلات گسترده دولت در حوزه بنگاهداری، حضور گسترده بخش‌های نظامی در اقتصاد، ورود و خروج دشوار بنگاه‌های اقتصادی (انحصار، قوانین مبهم ورشکستگی و عدم وجود تخریب سازنده^۲)، قوانین و مقررات گسترده در حوزه شروع کسب و کارها، توسعه و

1- Mismatch

2- Constructive Destruction

سرمایه‌گذاری در صنایع انرژی‌بر و رانتی، عدم فراگیری مالی^۱ بالا و ناکارایی نظام مالی و... از جمله مشابهت‌های سمت تقاضای بازار کار کشورهای منا است. در کنار این موارد، به دلیل بی‌ثباتی سطح اقتصاد کلان و عدم پیش‌بینی‌پذیری آینده، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز در این کشورها محدود است (بهنیا و علویان، ۱۳۹۵).

دولت‌های رفاه در برخی کشورهای منطقه مناطی دهه‌های ۶۰ به بعد میلادی، اقدام به سرمایه‌گذاری گسترده در بخش‌های مختلف اقتصادی کردند که در این فرآیند، حجم بدنه اجرایی دولت‌ها پیوسته رو به افزایش بود. در این شرایط نه تنها سرمایه‌گذاری دولت جایگزین سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شده است، بلکه به تدریج، انحصارات و رانت‌های مختلف برای فعالیت‌ها شکل گرفت و رویکرد بخش خصوصی نیز به جای رقابت و نوآوری به سمت دستیابی به رانت‌های موجود سوق پیدا کرد. بدیهی است دخالت‌های ناروای دولت در تنظیم رفتار آحاد اقتصادی، نه تنها به بهبود در تخصیص منابع منجر نمی‌شود، بلکه انحراف سرمایه‌گذاری‌ها، محدود کردن رقابت و افزایش بیکاری را به همراه خواهد آورد. از جمله نتایج دخالت دولت در این خصوص، وضع قوانین و مقررات در حوزه بازار محصول و کار است به طوری که این قوانین، رقابت‌پذیری و میزان انعطاف در بازار کار را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

ساختار حاکم در برخی از کشورهای منطقه منابعا باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی بیش از آنکه نیازمند جذب نیروی کار برای توسعه فعالیت‌های خود باشند، در صدد یافتن راهی برای برقراری ارتباط با دولت و رانت‌جویی باشند. بنابراین، چنین ساختاری به دو دلیل اصلی منتج به اشتغال نمی‌شود؛ اول اینکه توزیع رانت بیشتر در حوزه انرژی (قیمت انرژی) یا سرمایه (نرخ سود یا دسترسی به بازارهای مالی) یا منابع طبیعی و زیرزمینی صورت می‌گیرد که در نتیجه چنین ساختاری، بنگاه‌ها به طور غالب در فعالیت‌های انرژی‌بر و سرمایه‌بر (در مقابل کاربر) متمرکز می‌شوند که نتیجه آن ایجاد اشتغال محدودتر است. دوم

1- Financial Inclusion

در متون فارسی به طور عمده از عبارت «شمول مالی» در برابر «Financial Inclusion» استفاده شده است.

اینکه بنگاه‌های موجود در این رشته فعالیت‌ها که خود با رانت و کسب امتیازهای مختلف ایجاد شده‌اند علاوه بر اینکه مانع از ورود بنگاه‌های جدید می‌شوند با بزرگ‌تر شدن در طی زمان، تولید خود را در گرو تداوم سیاست‌های حمایتی دولت قرار می‌دهند و از این مسیر، ورود به صنعت و خروج از آن را دشوار می‌کنند که در نتیجه آن تقاضای نیروی کار کاهش می‌یابد (بهینا و علویان، ۱۳۹۵)

آنچه گفته شد، بیانگر آن است که وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه منا در کنار ویژگی‌های جمعیتی آن‌ها به خوبی روند تحولات سیاسی اخیر منطقه خاورمیانه را توضیح می‌دهد. بر این اساس، تنها راه خروج از وضعیت نامتعادل فعلی و تداوم ثبات اجتماعی و سیاسی منوط به افزایش رشد اقتصادی اشتغال‌زا، متناسب با ویژگی‌های تحصیلی، جنسیتی و سنی جمعیت کشورهای منطقه است. بنابراین، لازم است که گروه‌های سیاسی در تحلیل شرایط موجود و راهکارهای برون‌رفت از وضعیت کنونی بازار کار به یک اتفاق نظر در اتخاذ سیاست‌های اقتصادی برسند. در غیر این صورت در سال‌های آتی و با ورود جمعیت تحصیل کرده به بازار کار و عدم آمادگی اقتصاد این کشورها در جهت ایجاد شغل برای آن‌ها، تشدید مسائل اجتماعی دور از انتظار نخواهد بود.

در حال حاضر، کشورهای منطقه منا با انتخاب‌های دشوار و مهمی جهت ایجاد شرایط مناسب به منظور رشد بیشتر بخش خصوصی و ایجاد اشتغال برای بخش بزرگ‌تری از جمعیت جوان روبه‌رو هستند. از این رو، لازم است برای عبور از شرایط فعلی سیاست‌هایی با هدف گسترش رقابت، اصلاح مقررات سختگیرانه و دست‌وپاگیر در حوزه بازارهای محصول و کار و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه کارآفرینان در دستور کار قرار گیرد. مقررات‌زدایی بازارهای محصول و کار اساساً در ارتباط با کاهش و بازتوزیع منافی است که منجر می‌شود بازیگران اقتصادی رفتار خود را با این توزیع جدید تنظیم کنند. بنابراین، حتی اگر مقررات‌زدایی در نهایت سودمند باشد، همراه با آثار قوی و پویای توزیعی است و دوره گذار ممکن است برای مدتی همراه با کاهش بنگاه‌های فعال، افزایش بیکاری و کاهش دستمزدهای حقیقی تا رسیدن به زمان بازیابی اقتصاد باشد.

درک این تاثیرات پویا و توزیعی حداقل به دو دلیل مهم است؛ یکی آنکه از آنجا که بسیاری از کشورها در مسیر مقررات‌زدایی قرار گرفته‌اند، ارائه تحلیل دقیق از تحولات اقتصاد کلان این کشورها را فراهم می‌کند. دوم اینکه به روشن شدن محدودیت‌های اقتصاد سیاسی مقررات‌زدایی و در نتیجه بهبود طراحی آن کمک می‌کند.

مطالعات زیادی درخصوص مقررات‌زدایی از بازارهای کار و محصول برای کشورهای اروپایی و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۱ (OECD) انجام گرفته است، اما تاکنون مطالعه‌ای در رابطه با تاثیر مقررات‌زدایی بازار محصول و افزایش انعطاف بازار کار بر رشد اقتصادی و بیکاری در کشورهای منطقه منا انجام نشده است.^۲ همچنین با توجه به اینکه کشورهای منطقه منا تا حدود زیادی با قوانین زائد و پیچیده درگیر هستند (و جمهوری اسلامی ایران نیز جزو کشورهای منطقه منا محسوب می‌شود)، از این رو، مطالعه و وضعیت و آثار قوانین بازارهای محصول و کار می‌تواند افق مشخصی را در مسیر قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کشورهای این منطقه به‌خصوص کشورمان (ایران) قرار دهد. بنابراین، در این مطالعه هدف آن است تا تاثیر مقررات‌زدایی در بازارهای محصول (افزایش رقابت) و کار (افزایش انعطاف‌پذیری) در افق‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی و بیکاری با روش GMM و رهیافت PANEL VAR در ۲۰ کشور منطقه منا مورد بررسی قرار گیرد و براساس آن ضرورت اصلاح یا اولویت‌بندی مقررات‌زدایی در بازار محصول یا کار مشخص شود.

ساختار مطالعه حاضر به این صورت در نظر گرفته شده است که در ادامه ادبیات موضوع، مبانی نظری و پیشینه تحقیق بیان شده است. سپس الگوی PANEL VAR و روش GMM معرفی و ضمن توصیف متغیرهای استفاده شده، برآورد الگوی پژوهش صورت گرفته و محاسبه توابع واکنش - ضربه و تجزیه واریانس انجام شده است. در پایان نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری آورده شده است.

1- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

۲- البته در برخی مطالعات، وجود رابطه تعادلی بلندمدت میان تولید ناخالص ملی، مصرف انرژی، انباشت سرمایه و اشتغال در

کشورهای حوزه منا بررسی شده است. (اسلامولویان و جوکار، ۱۳۹۲)

۲- مروری بر ادبیات پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

از اوایل دهه ۱۹۸۰، قوانین سختگیرانه در بازارهای محصول و نیروی کار به عنوان یک عامل کلیدی ضعف در ایجاد اشتغال و نرخ‌های بالای بیکاری در بسیاری از کشورهای اروپایی به حساب می‌آید و اکثر مطالعات بر حذف یا حداقل کاهش مقررات گذاری بازار در زمینه‌های موانع ورودی بازار، محدودیت‌های اخراج و مزایای بیکاری تمرکز داشته‌اند (OECD، ۲۰۰۵). این در حالی است که عقیده اقتصاددانان بر این است که با حذف (بسیاری از) این مقررات، بیکاری کاهش یافته، تولید بیشتر می‌شود و اقتصاد اروپا رشد می‌کند به طوری که بعد از بحران مالی که غالب کشورهای اروپایی بدهی‌های سنگین داشته و ابزارهای سیاستی طرف تقاضا ناکارآمد شناخته شد، غالب سیاست‌گذاری‌ها به سمت مقررات‌زدایی در بازار محصول و کار گرایش نشان داد (OECD، ۲۰۱۲). مبانی نظری و اقتصاد سیاسی اعمال اصلاحات و مقررات‌زدایی به این شرح است که:

- مقررات‌زدایی باعث می‌شود رانت‌هایی که به واسطه قوانین موجود برای کارگران، کارفرمایان و ارائه‌دهندگان خدمت ایجاد شده است، کاهش یابد. این دیدگاه تا مدت‌ها سلطه گسترده‌ای در مطالعات دانشگاهی و اندیشه سیاست‌گذاران داشت. استیگلر (۱۹۷۱)، پوسنر (۱۹۷۵) و پلتزمن (۱۹۷۶)^۱ از جمله محققانی هستند که در این خصوص مطالعه کرده‌اند.

- مقررات‌زدایی باعث ایجاد رقابت تازه‌ای در بازار محصول، کار و سرمایه شده و بر مبنای آن برنده چرخه اقتصادی تعیین می‌شود.

- مقررات‌زدایی با افزایش کارایی و بهره‌وری، منجر به افزایش رشد اقتصادی شده و این رشد باعث افزایش اشتغال و دستمزد واقعی می‌شود که این دو بر تولید و مصرف از طریق افزایش سرمایه‌گذاری اثر گذاشته و منجر به افزایش موجودی سرمایه نیز می‌شود. (بلانچارد و گیوزی ۲۰۰۳)^۲

1- Peltzman

2- Blanchard and Giavazzi

اهمیت پرداختن به موضوع مقررات‌زدایی در بازار کار از آن جهت است که عدم تقارن اطلاعات سبب می‌شود کارفرما (حتی در دوره آزمایشی) نتواند شناخت کافی نسبت به ویژگی‌های نیروی کار به دست آورد. بنابراین، هزینه بالای اخراج می‌تواند سبب شود کارفرمایان به دلیل ریسک بالای استخدام فردی که مطلوب کار آن‌ها نیست یا تقاضا برای نیروی کار را کاهش دهند یا به سمت قراردادهای غیررسمی و موقت تمایل پیدا کنند. همچنین موضوع عدم تقارن اطلاعات در خصوص جوانان که تجربه شغلی ندارند (یا تجربه کمی دارند)، سبب می‌شود استخدام آن‌ها با ریسک بیشتری برای بنگاه همراه باشد. بنابراین، ممکن است بنگاه‌ها به دلیل هزینه بالای اخراج، تمایل کمتری به استخدام نیروی کار جوان داشته باشد.

بالا بودن هزینه اخراج، قابلیت بنگاه برای واکنش به نوسان‌های چرخه تجاری را کاهش می‌دهد و این انگیزه را ایجاد می‌کند که بنگاه‌ها، استخدام غیررسمی یا با قراردادهای کوتاه‌مدت انجام دهند. همچنین هزینه بالای اخراج، انگیزه بنگاه‌ها را برای اصلاح ساختار و ارتقای بهره‌وری کاهش می‌دهد، زیرا اصلاح ساختار (تغییر تکنولوژی تولید) ممکن است نیازمند تعدیل نیرو قبلی و جذب نیروی جدید باشد. (بهنیا و علویان، ۱۳۹۵)

کاهش هزینه اخراج در کوتاه‌مدت باعث حذف افراد ناکارآمد شده و در ابتدا بیکاری افزایش می‌یابد، اما در بلندمدت، کاهش هزینه اخراج، هزینه انتظاری از فسخ یک قرار داد را کاهش داده و در نتیجه بنگاه‌ها، انگیزه بیشتری در استخدام و ایجاد مشاغل جدید دارند، زیرا در صورت عدم موفقیت به راحتی می‌توانند قرارداد را فسخ کنند و از آنجایی که تخریب مشاغل، آنی اتفاق می‌افتد، اما ایجاد مشاغل زمان‌بر و طولانی است، بنابراین، در کوتاه‌مدت بیکاری زیاد و مصرف کم می‌شود.

در زمان اعمال اصلاحات، اشتغال، محصول و مصرف کاهش یافته و در طول زمان بهبود می‌یابد و ممکن است چند سال زمان برد تا این متغیرها به سطح قبل از انجام اصلاحات بازگردند. دلیل این اتفاق، افزایش ارزش حال انتظاری ایجاد شغل در طول زمان است که نشان‌دهنده وقفه تولید برای تطبیق‌های جدید و یک کاهش قابل توجه در تقاضای کل ایجاد

شده به دلیل کاهش استخدام‌ها است. (کاجاتوره و فیوری، ۲۰۱۶)

تجربه جهانی نشان می‌دهد افزایش انعطاف‌پذیری بازار کار، نقش مهمی در ایجاد فضای کسب و کار مناسب دارد. فضای کسب و کار مناسب نیز نقش کلیدی در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) خواهد داشت. در صورتی که حمایت از حقوق کارگر به قیمت کاهش انعطاف بازار کار به دست آید، انگیزه سرمایه‌گذاری بنگاه‌های داخلی و جذابیت سرمایه‌گذاری در بازار داخلی در رقابت با بازارهای رقیب بین‌المللی کاهش می‌یابد و در نتیجه سطح کلی اشتغال در مقایسه با حالت بازار منعطف، کمتر می‌شود.

در خصوص مقررات‌زدایی بازار محصول نیز مطالعات نشان می‌دهد بر اثر کاهش موانع ورود و خروج به صنعت در کوتاه‌مدت، تولید، اشتغال و مصرف نسبت به سطح قبل کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، خانوارها در مصرف و سرمایه‌گذاری فیزیکی خود صرفه‌جویی می‌کنند تا بنگاه‌های جدید را تامین مالی کنند و این مساله به طور موقت باعث کاهش در تقاضای کل می‌شود. (کاجاتوره و فیوری، ۲۰۱۶) همچنین با ورود بنگاه‌های جدید به صنعت و افزایش رقابت، بنگاه‌های غیرمولد تعطیل شده و متعاقب آن افراد بیکار می‌شوند. از آنجایی که فرایند ایجاد شغل در بنگاه‌های جدید زمان‌بر است، از این رو، در کوتاه‌مدت بیکاری، افزایش و تولید، کاهش می‌یابد، اما در بلندمدت می‌توان انتظار داشت با بهبود شرایط بنگاه‌ها طی زمان و افزایش تعداد بنگاه‌ها، افراد جدیدی استخدام و منابع به سمت مصرف و سرمایه‌گذاری فیزیکی هدایت شده و اشتغال و تولید، افزایش یابد. با کاهش هزینه اخراج، تقاضای کل و مصرف، افزایش و بیکاری، کاهش یابد.

۲-۱- پیشینه تجربی پژوهش

در خصوص ارتباط بین مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار مطالعات مختلفی صورت گرفته از جمله اینکه برگر و دینگر^۲ (۲۰۰۶) و باسانینی و دووال^۳ (۲۰۰۶)

1- Cacciatore and Fiori
2- Berger and Danninger
3- Bassanini and Duval

در یافته‌اند که اصلاح مقررات بازار کالاها، زمانی که سیاست‌های محدودیت بازار کار کمتر باشد، موثرتر است. کیفیت (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای، تجربه مقررات‌زدایی کشورهای OECD را در سال ۱۹۹۰ مورد بررسی قرار می‌دهد با این فرضیه که مقررات‌زدایی در این کشورها، منجر به افزایش رقابت‌پذیری شده است. نتایج نشان می‌دهد این اصلاحات در کشورهایی که قدرت چانه‌زنی بالایی دارند، منجر به افزایش اشتغال کل شده و برای کشورهایی که قدرت چانه‌زنی پایینی دارند، باعث افزایش دستمزد واقعی می‌شود.

کاجاتوره و فیوری (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی تاثیر مقررات‌زدایی در بازار محصول و کار بر رشد اقتصادی و بیکاری در کشورهای OECD پرداخته‌اند در این مطالعه، شاخص‌های موانع ورود و خروج به صنعت، شاخص هزینه اخراج و مزایای بیمه بیکاری به عنوان اصلاحات بازار محصول و کار در نظر گرفته شده و تاثیر این شاخص‌ها بر رشد اقتصادی و بیکاری در یک مدل PANEL VAR مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد انجام اصلاحات در کوتاه‌مدت منجر به رکود و در بلندمدت باعث رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری می‌شود. همچنین اصلاحات می‌تواند تاثیرات رکودی در کوتاه‌مدت داشته باشد، اما در بلندمدت آثار توسعه‌ای خواهد داشت. آن‌ها نتایج مدل خود را برای کشورهای OECD مورد تایید تجربی قرار دادند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که مقررات‌زدایی بازار، تاثیرات قابل ملاحظه‌ای بر کارایی نوسانات ادوار تجاری دارد. افزایش انعطاف‌پذیری در بازارهای کالا و کار، میزان و نوسانات نا کارایی را کاهش داده، تصمیمات تعادلی افراد را مختل کرده و منجر به کاهش اساسی در هزینه رفاهی ادوار تجاری می‌شود.

مطالعات بسیاری در خصوص تاثیر قوانین انعطاف‌ناپذیر بر نرخ بیکاری انجام شده است؛ از جمله برنال-وردوگ و همکاران^۱ (۲۰۱۲) با انجام یک الگوی پنل در ۹۷ کشور طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۸ نشان دادند که بهبود انعطاف‌پذیری، تاثیر قابل توجهی بر کاهش نرخ بیکاری بالاخص بیکاری جوانان و بیکاری بلندمدت دارد و در این میان، انعطاف در

1- Bernal, Furceri and Guillaume

شاخص استخدام و اخراج نیروی کار و هزینه‌های اخراج بیشترین تاثیر را دارند. برتراند و کاراماز^۱ (۲۰۰۲) به بررسی این پرسش پرداختند که آیا مقررات بازار محصول و قوانین مرتبط با ورود به بازار، عوامل اصلی رشد پایین استخدام در بسیاری از کشورهای اروپایی هستند؟ آن‌ها این سوال را در چارچوب صنعت خرده‌فروشی فرانسه مورد بررسی قرار دادند و از آنجایی که از سال ۱۹۷۴، تصویب هیات منطقه برای ایجاد یا گسترش هر فروشگاه بزرگ خرده‌فروشی در فرانسه مورد نیاز است، یک بانک اطلاعاتی خاص را استخراج کردند که تغییرات زمانی و منطقه‌ای در تصمیمات هیات را نشان می‌داد. نتایج مطالعه آن‌ها بیانگر آن بود که ایجاد موانع بیشتر برای ورود به بازار و افزایش تمرکز در فروشگاه‌های زنجیره‌ای خرده‌فروشی، رشد استخدام را در فرانسه کاهش داده است.

فیوری و همکاران^۲ (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای ارتباط بین مقررات زدایی بازار محصول و کار را بررسی کرده و تاثیر آن را بر میزان اشتغال سنجیده‌اند. برای انجام این تحقیق، قدرت چانه‌زنی به عنوان متغیر درون‌زا در الگو وارد شده و مدل اثرات ثابت برای کشورهای OECD برآورد شده است. نتایج نشان می‌دهد اگر ارتباط بین بازار کار و بازار محصول نادیده گرفته شود، تاثیر مقررات زدایی بر اشتغال کمتر از حد واقعی برآورد می‌شود. در این مطالعه با آنکه متغیرهای مختلفی برای مقررات زدایی در بازار کار در نظر گرفته شده است (از جمله امنیت شغلی و مزایای بیمه بیکاری)، اما نتایج نشان می‌دهد مقررات زدایی در بازار محصول، تقویت‌کننده اثرات مقررات زدایی در بازار کار است. به عبارت دیگر، اصلاحات بازار محصول مکمل اصلاحات بازار کار است.

وردوگو و همکاران^۳ (۲۰۱۲) به تحلیل رابطه بین انعطاف‌پذیری بازار کار و میزان بیکاری پرداختند. پیش از آن‌ها، تئوری اقتصادی و مطالعات تجربی پیشین، برخی عوامل سیاسی و نهادی را برای بیکاری شامل مزایای بیکاری، اهرم‌های مالیاتی دستمزد^۴، ساختار چانه‌زنی جمعی، مقررات حمایتی استخدام، حداقل دستمزد و هزینه‌های استخدام شناسایی کرده

-
- 1- Bertrand and Kramarz
 - 2- Fiori, Nicoletti and Schiantarelli
 - 3- Bernal, Furceri and Guillaume
 - 4- Tax Wedges

بودند. ادبیات تجربی تا پیش از آن به این نتیجه رسیده بود که نهادهای انعطاف‌ناپذیر بازار نیروی کار ممکن است مانع ایجاد شغل شده و سطوح بالاتری از بیکاری را ایجاد کنند. تقریباً تمام این مطالعات بر زیرمجموعه‌ای از کشورهای صنعتی عضو OECD تمرکز داشته‌اند و تنها دو مقاله، تاثیر مقررات بازار نیروی کار را برای مجموعه گسترده‌ای از اقتصادهای پیشرفته و نوظهور^۱ تحلیل کرده‌اند؛ یکی مطالعه بوترو^۲ و همکاران (۲۰۰۴) که تاثیر مقررات‌گذاری بازار نیروی کار (قوانین استخدام، قوانین چانه‌زنی جمعی، و قوانین تامین اجتماعی) را بر میزان بیکاری برای یک نمونه بین کشوری از ۸۵ کشور تحلیل کردند و دیگری، مطالعه فلدمن^۳ (۲۰۰۹) که به ارزیابی تاثیر شاخص‌های انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار (مانند آن‌هایی که در مطالعه حاضر استفاده شده است) برای یک پنل ۷۳ اقتصادی در بازه زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۳ پرداخته است.

۲- روش پژوهش

در این مطالعه هدف بر آن است که تاثیر مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری در ۲۰ کشور مناطی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گیرد. روش مطالعه حاضر از نوع همبستگی بوده و تحت الگوی PANEL VAR با روش GMM روابط موردنظر برآورد و ضرایب مربوطه جهت تحلیل استخراج شده است.

۲-۱- الگوی PANEL VAR

الگوی استفاده شده در این مطالعه PANEL VAR با اثرات ثابت است که با فرض K متغیر و P وقفه به صورت رابطه (۱) تشریح می‌شود و در آن بردار $(k \times 1)$ متغیرهای وابسته، X_{it} بردار (1×1) متغیرهای برونزا، u_{it} بردار $(k \times 1)$ اثرات ثابت و e_{it} بردار $(k \times 1)$ جملات خطا هستند. همچنین $A_1, A_2, \dots, A_{p-1}, A_p$ ماتریس $(k \times k)$ و ماتریس B با ابعاد

1- Emerging Countries

2- Botero

3- Feldmann

(۱×k) ضرایب الگو هستند.

(۱)

$$Y_{it} = Y_{it-1}A_1 + Y_{it-2}A_2 + \dots + Y_{it-p+1}A_{p-1} + Y_{it-p}A_p + X_{it}B + u_{it} + e_{it}$$

$$i \in \{1, 2, \dots, N\}, t \in \{1, 2, \dots, T_i\}$$

فروض مدل نیز به صورت رابطه (۲) است.

$$E[e_{it}] = 0, E[e'_{it}e_{it}] = \Sigma \quad (۲)$$

$$E[e'_{it}e_{it}] = 0 \text{ for all } t > s.$$

بعد از تخمین الگوی PANEL VAR و تفسیر نتایج به دست آمده در ادامه توابع ضربه-واکنش و تجزیه واریانس محاسبه می‌شود. در توابع ضربه-واکنش، رفتار پویای متغیرهای دستگاه هنگام وارد شدن شوک به اندازه یک انحراف معیار نشان داده می‌شود و با استفاده از توابع ضربه-واکنش، پاسخ پویای دستگاه به شوک واحد اعمال شده از سوی هر یک از متغیرها محاسبه خواهد شد.

یک تابع ضربه-واکنش Φ_i در حقیقت بازنویسی یک الگوی VAR بر اساس بردارهای نامحدود میانگین متحرک است. به عبارت دیگر، تابع ضربه-واکنش Φ_i ، پارامترهای VMA را داراست (رابطه (۳)).

$$\Phi_i = \left\{ \begin{array}{l} I_k \quad i = 0 \\ \sum_{j=1}^i \Phi_{t-j} A_{ji=1,2,\dots} \end{array} \right\} \quad (۳)$$

به عنوان مثال، اگر فرض شود ماتریسی به نام P وجود دارد به طوری که $\dot{P}P = \Sigma$ ماتریس P، ماتریس $e_{it}P^{-1}$ را متعامد کرده و پارامترهای VMA را به تابع واکنش آبی متعامد $P\Phi_i$

تبدیل می‌کند.

در روش تجزیه واریانس، سهم شوک‌های وارد شده بر متغیرهای مختلف الگو در واریانس خطای پیش‌بینی یک متغیر محاسبه می‌شود. در این روش همانند تابع ضربه-واکنش، یک ماتریس به نام p تعریف می‌شود که توسط این ماتریس، شوک‌ها، متعامد شده و به این وسیله سهم هر شوک در واریانس خطای پیش‌بینی، محاسبه می‌شود. شوک‌های متعامد $e_{it}P^{-1}$ دارای ماتریس کواریانس I_K هستند که تجزیه خطای واریانس را اجازه می‌دهد.

۲-۲- روش تخمین GMM

در روش گشتاور تعمیم‌یافته پویا (GMM) پارامترها از رابطه (۴) به دست می‌آیند:

$$A = (\bar{Y}^{*'}Z\widehat{W}Z'Y^{*'})^{-1}(\bar{Y}^{*'}Z\widehat{W}Z'Y^{*'}) \quad (۴)$$

که در آن ماتریس وزنی است که متقارن، مثبت نیمه معین و غیر منفرد است. در این جا فرض می‌شود که $E[Z'e] = 0$ و رتبه $E[\bar{Y}^{*'}Z] = kp + 1$ است. با این فروض، تخمین‌های روش GMM سازگار خواهند بود.

مزیت به کار بردن روش GMM پنل دیتای پویا، لحاظ کردن ناهمسانی فردی و اطلاعات بیشتر، حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی است که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر با کارایی بالاتر و هم‌خطی کمتر در این روش خواهد بود.

روش GMM پنل دیتای پویا هنگامی به کار می‌رود که تعداد متغیرهای برش مقطعی (N) بیشتر از تعداد زمان و سال‌ها (T) باشد ($N > T$) که در بحث مقاله نیز این‌گونه است؛ یعنی تعداد کشورها بیشتر از تعداد زمان است (بوند، ۲۰۰۲؛ بالتاجی، ۲۰۰۸).

به طور کلی روش GMM پویا نسبت به روش‌های دیگر دارای مزایایی است از جمله: حل مشکل درون‌زا بودن متغیرهای نهادی، کاهش یا رفع هم‌خطی در مدل، حذف

متغیرهای ثابت طی زمان و افزایش بعد زمانی متغیرها.

۳- برآورد الگوی پژوهش

همراستا با مبانی نظری تحقیق، سه فرضیه زیر مطرح می‌شود:
فرضیه اول: پویایی‌های کلان اقتصادی مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار در افق‌های مختلف برنامه‌ریزی در کشورهای منطقه منا متفاوت است.
فرضیه دوم: مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار در کوتاه‌مدت آثار رکودی دارد.
فرضیه سوم: مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار در بلندمدت منجر به افزایش تولید و کاهش بیکاری می‌شود.

۳-۱- آمار و داده‌های پژوهش

در این مطالعه، متغیر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ برای ۲۰ کشور منا استفاده شده است. شاخص رقابت جهانی برای مقررات‌زدایی در بازار محصول طی همین دوره در نظر گرفته شده است.

شاخص رقابت جهانی، ترکیبی است از ۱۲ رکن که هر یک از ارکان بین ۴ تا ۲۱ متغیر دارند. بنابراین، آنچه به‌عنوان شاخص رقابت‌پذیری جهانی (GCI) منتشر می‌شود دربرگیرنده ۱۱۴ متغیر در مورد هر کشور است که به جزئیات اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی پرداخته و برآیند آن منجر به GCI می‌شود. این شاخص، مقادیری از یک (رقابت‌پذیری کم) تا هفت (رقابت‌پذیری بالا) را دربرمی‌گیرد.

شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار^۱ برای مقررات‌زدایی در بازار کار در نظر گرفته شده است. این شاخص یکی از مولفه‌های اصلی در محاسبه شاخص آزادی نیروی کار است که به‌عنوان یک شاخص فرعی از شاخص آزادی اقتصادی^۲ بنیاد هریتج

1- Hiring and Firing Regulation

2- Economic Freedom Index

است. این شاخص بین رقم ۱ (انعطاف‌ناپذیری) و رقم ۷ (انعطاف‌پذیری) قرار دارد.

۳-۲- مدل پژوهش

به منظور برآورد مدل، لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده در تخمین مدل، مورد آزمون قرار گیرد؛ زیرا مانایی متغیرها چه در مورد داده‌های سری زمانی و چه داده‌های تابلویی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب می‌شود. بر این اساس، آزمون Fisher-type بر مبنای آماره دیکی فولر انجام شده است. آماره آزمون در سطح ۹۵ درصد در نظر گرفته شده است.

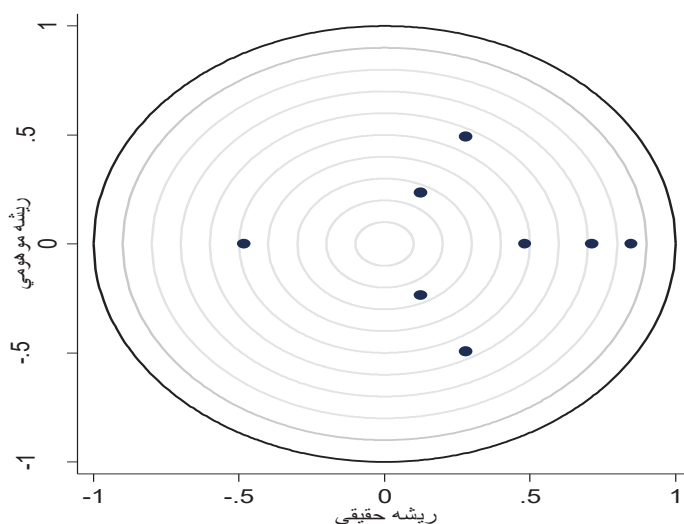
جدول ۲- نتایج آزمون Fisher-type بر مبنای آماره دیکی فولر

متغیرها	آزمون Fisher-type بر مبنای آماره دیکی فولر		
	سطح احتمال	Inverse chi-squared	آماره محاسبه شده
G	در سطح	۰/۰۰۰	۱۶۰/۹۳۵۳
U	در سطح	۰/۰۰۰	۱۱۵/۶۳۳۱
F	در سطح	۰/۰۰۰	۱۰۲/۸۲۲۴
com	در سطح	۰/۰۰۰	۱۱۴/۰۲۵۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد تمامی متغیرها، مانا یا $I(0)$ هستند. در ادامه مدل PANEL VAR بر متغیرهای رقابت‌پذیری (com)، شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار^۱ یا انعطاف‌پذیری بازار کار (f)، رشد اقتصادی (g) و نرخ بیکاری (u) برآورد شده است. از آنجایی که که اطلاعات مربوط به برخی کشورهای منطقه منا در بسیاری از دوره‌ها موجود نیست به همین دلیل از روش GMMSTLYE FOD در برآورد الگوی PANEL VAR استفاده شده است. سپس آزمون پایداری مدل انجام شده است که نتایج پایداری مدل نشان می‌دهد مدل برآورد شده پایدار است و تمامی ریشه مشخصه‌ها در داخل دایره واحد قرار دارند که نشان‌ثبات سیستم برآوردی است. بنابراین، می‌توان به نتایج

تابع واکنش - ضربه اعتماد کرد. (پیش‌بهار و قهرمانزاده، ۱۳۹۴)



نمودار ۳- نتایج آزمون پایداری مدل

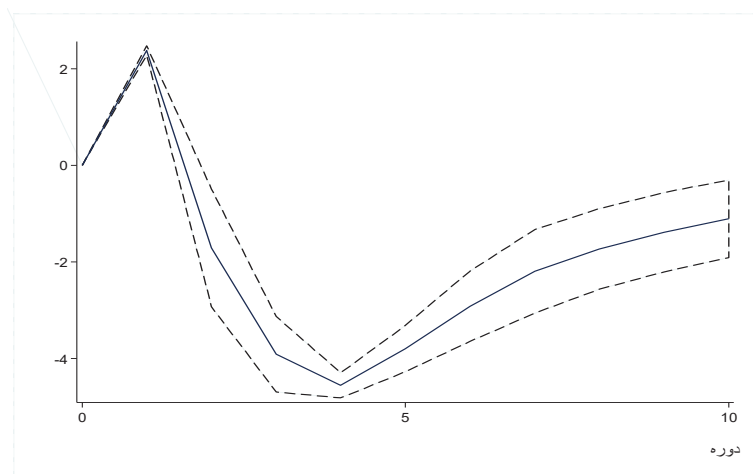
مآخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۳- نتایج توابع ضربه-واکنش

نتایج توابع ضربه-واکنش نشان می‌دهد که:

الف- شوک شاخص رقابت پذیری: شوکی به اندازه یک انحراف معیار شاخص رقابت پذیری در کوتاه مدت و آنی (حدود یک سال) با شیئی به نسبت تند، منجر به افزایش بیکاری می‌شود، اما در میان مدت (بعد از دو سال) به مراتب از شدت تاثیر آن (افزایش بیکاری) کاسته شده و به صفر می‌رسد. در بلندمدت (بعد از دو سال) نیز شوک رقابت پذیری با شیئی ملایم منجر به کاهش بیکاری می‌شود و بیشترین تاثیر بعد چهار سال اتفاق می‌افتد و نرخ بیکاری به کمترین حد خود می‌رسد و سپس اثر مثبت این تکانه بر اشتغال با شیئی کند تا دوره مدیدی ادامه می‌یابد به گونه‌ای که حتی تا

دوره دهم نیز اثر مثبت تکانه رقابت‌پذیری بر اشتغال قابل توجه است (نمودار (۴)).

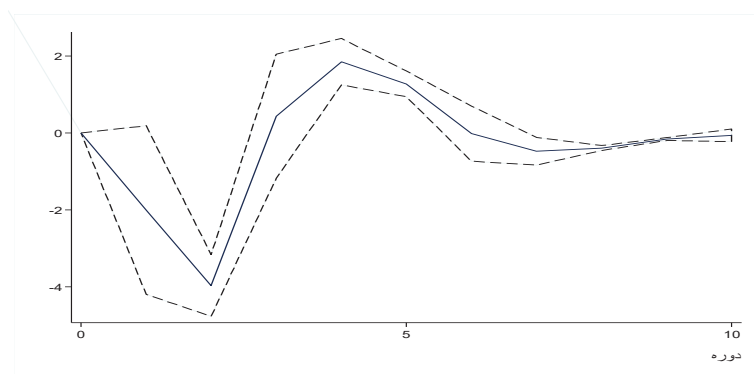


نمودار ۴- تابع ضربه-واکنش شاخص رقابت‌پذیری و نرخ بیکاری

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار (۵) نشان می‌دهد تکانه شاخص رقابت‌پذیری در کوتاه‌مدت و آنی با شیبی تند باعث کاهش رشد اقتصادی می‌شود. در میان‌مدت تا حدود دو سال به مراتب تاثیر منفی بر رشد به صفر می‌رسد. این امر به آن دلیل است که در کوتاه‌مدت با کاهش موانع ورود و خروج به صنعت، پس‌انداز خانوارها برای افزایش سرمایه‌گذاری و تامین مالی بنگاه‌های جدیدالورود به صنعت افزایش یافته و به تبع آن تولید، اشتغال و مصرف کاهش می‌یابد. همچنین بدیهی است که با ورود بنگاه‌های جدید به صنعت و افزایش رقابت، بنگاه‌های غیرمولد تعطیل و افرادی بیکار می‌شوند. از آنجا که فرایند ایجاد شغل در بنگاه‌های جدید زمان‌بر است، بنابراین، مدتی طول می‌کشد تا افراد جدید استخدام شوند. از این رو، در کوتاه‌مدت بیکاری زیاد و تولید کاهش می‌یابد. در بلندمدت از سال سوم به بعد تاثیر مثبت رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی پدیدار شده و به حداکثر خود می‌رسد. اوج تاثیر رقابت‌پذیری

بر رشد اقتصادی در سال پنجم اتفاق می‌افتد و در سال ششم اثر این تکانه بر رشد کاملاً محو می‌شود. در بلندمدت، افزایش رقابت‌پذیری منجر به بهبود شرایط بنگاه‌ها طی زمان شده و با افزایش تعداد بنگاه‌ها، افراد جدیدی استخدام می‌شوند و منابع به سمت مصرف و سرمایه‌گذاری فیزیکی هدایت شده و اشتغال و تولید افزایش می‌یابد.



نمودار ۵- تابع ضربه-واکنش شاخص رقابت‌پذیری و رشد اقتصادی

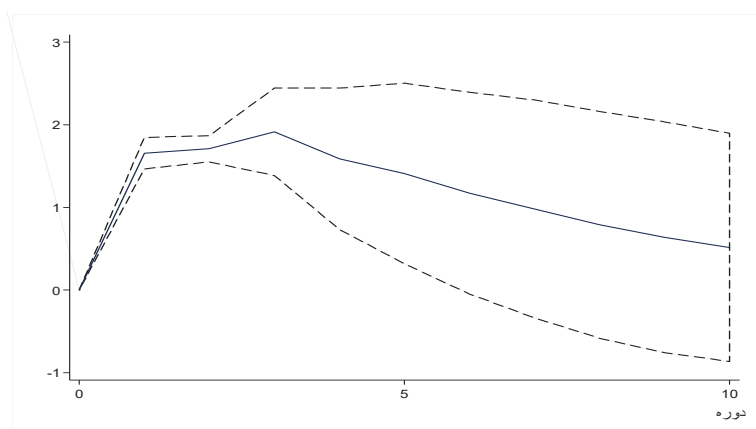
ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج به‌دست آمده در این بخش منطبق بر نتایج به‌دست آمده در مطالعه کاجاتور و فیوری (۲۰۱۶) برای کشورهای OECD است. در این مطالعه نیز شاخص‌های موانع ورود و خروج به صنعت در کوتاه‌مدت منجر به رکود (کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری) شده و در بلندمدت باعث رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری می‌شود.

همچنین نتایج این بخش نشان می‌دهد طول موج تاثیر شاخص رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری متفاوت است به گونه‌ای که طول موج تاثیر بر نرخ بیکاری، کوتاه‌تر و سریع‌تر اتفاق می‌افتد. دلیل این اتفاق آن است که افزایش رقابت‌پذیری به طور مستقیم بخش تقاضای اقتصاد، تولید و بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما برای کاهش نرخ بیکاری باید هر دو سمت تقاضا و عرضه بازار کار تحت تاثیر قرار بگیرند.

با افزایش رقابت پذیری، تقاضای بازار کار و تولید بنگاه‌ها افزایش می‌یابند و این امر می‌تواند نرخ بیکاری را کاهش دهد، اما سمت عرضه بازار کار متأثر از تحولات جمعیتی، ترکیب نیروی انسانی و... نیز است که نسبت به شاخص رقابت پذیری کمتر واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، تاثیر شاخص رقابت پذیری بر نرخ بیکاری با طول موج کمتر و کندتر از رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد.

نمودار (۶) نشان می‌دهد تکانه مثبت شاخص رقابت پذیری با شیبی به نسبت تند بر شاخص انعطاف پذیری بازار کار، اثر مساعد می‌گذارد و از دوره دوم به بعد این اثر، ملایم شده و اوج آن در سال سوم و چهارم است و سپس رو به زوال می‌رود. این در حالی است که تا دوره دهم، اثر تکانه رقابت بر انعطاف پذیری، مثبت است.



نمودار ۶- تابع ضربه-واکنش شاخص رقابت پذیری و شاخص انعطاف پذیری بازار کار

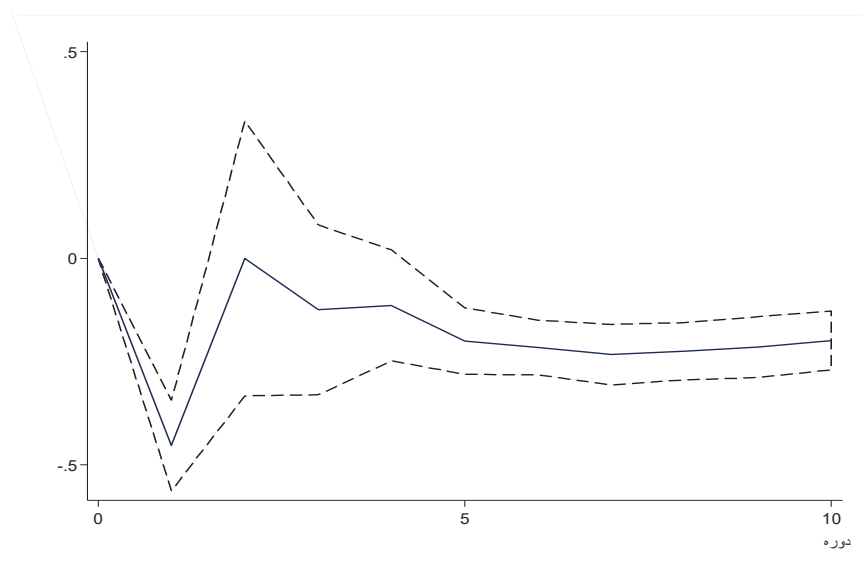
ماخذ: یافته‌های پژوهش

ب- شوک شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار: نمودار (۷) نشان می‌دهد تاثیر شوک شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار بر نرخ بیکاری، بسیار گذرا و اندک و فقط در دوره یک است که با کاهش کوچکی در بیکاری همراه است. در میان و بلندمدت

تأثیر بر بیکاری عملاً صفر است.

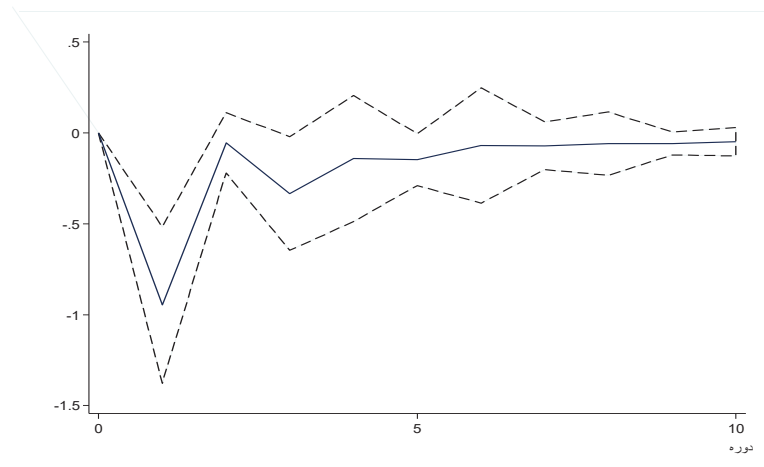
نمودار (۸) نشان می‌دهد تأثیر شوک شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار بر رشد اقتصادی، در دوره یک بوده و بسیار گذرا و کوچک است که با کاهش رشد اقتصادی همراه است و از دوره دوم به بعد محو می‌شود.

نمودار (۹) نشان می‌دهد شوک شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار در کوتاه، میان و بلندمدت تأثیر بسیار اندک و جزئی بر شاخص رقابت پذیری دارد.



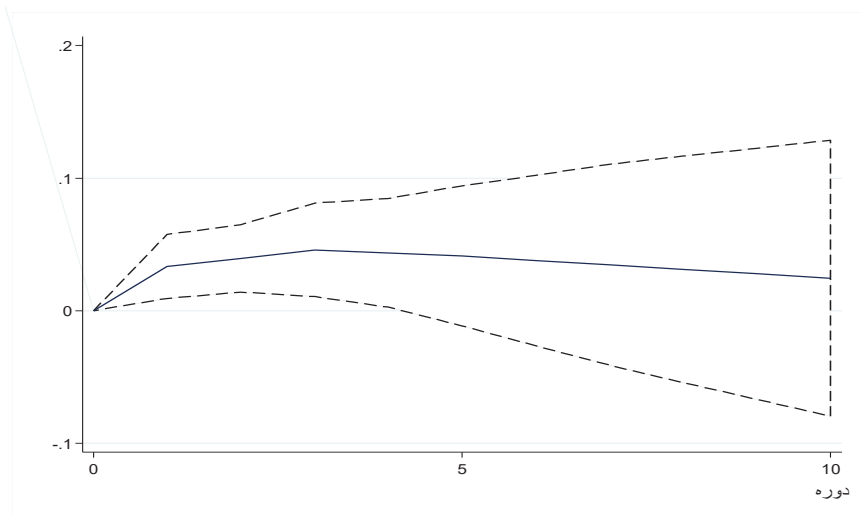
نمودار ۷- تابع ضربه-واکنش شاخص انعطاف پذیری بازار کار و نرخ بیکاری

ماخذ: یافته‌های پژوهش



نمودار ۸- تابع ضربه-واکنش شاخص انعطاف‌پذیری بازار کار و رشد اقتصادی

ماخذ: یافته‌های پژوهش



نمودار ۹- تابع ضربه-واکنش شاخص انعطاف‌پذیری بازار کار و شاخص رقابت‌پذیری

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج فوق نشان می‌دهد شاخص رقابت‌پذیری در کشورهای منطقه منا تاثیر بیشتر و ماندگارتری بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری دارد و در مقابل شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار، تاثیر کمتر و زودگذری بر رشد و بیکاری کشورهای منطقه منا می‌گذارد. علت این امر آن است که هر چند قوانین مربوط به استخدام در کشورهای منطقه منا و بالاخص ایران، نسبت به معیارها و میانگین بین‌المللی تفاوت چندانی ندارند و حتی در برخی موارد ساده‌گیر هستند، اما قوانین اخراج در کشورهای منطقه منا و ایران نسبت به میانگین بین‌المللی سخت‌گیرانه است و کارفرما برای اخراج نیروی کار با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو می‌شود. قوانین سخت‌گیرانه و حمایتی نیروی کار در این کشورها باعث شده که بخش زیادی از اشتغال در این کشورها به صورت غیررسمی باشد و قراردادهای رسمی منعقد نشود. همچنین برای نیروی کاری که به طور رسمی استخدام می‌شود، این قوانین حمایتی اجرا نمی‌شوند و ضمانت اجرایی قانون در این کشورها ضعیف است.

به دلیل گستردگی بخش غیررسمی در بازار کار کشورهای منطقه منا و امکان استفاده گسترده بنگاه‌ها از انواع قراردادهای موقت به دلیل شرایط آسان استخدام، بنگاه‌های اقتصادی به راحتی می‌توانند قوانین مربوط به بازار کار را دور بزنند. بنابراین، قوانین سختگیرانه بازار کار در این کشورها، نمی‌تواند عامل مهمی برای کاهش تقاضای نیروی کار یا افزایش بیکاری باشد و به همین دلیل در کشورهای منطقه منا، شاخص رقابت‌پذیری نسبت به شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار، تاثیر بیشتر و ماندگارتری بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری دارد. به همین دلیل پیشنهاد می‌شود برای سیاست‌گذاری در کشورهای منطقه منا، مقررات‌زدایی در بازار محصول (افزایش رقابت‌پذیری) در اولویت تصمیم‌گیری قرار گیرد، زیرا نسبت به مقررات‌زدایی در بازار کار از میزان اثرگذاری به لحاظ طول موج و زمان ماندگاری قوی‌تری برخوردار است.

۳-۴- نتایج تجزیه واریانس

نتایج حاصل از تجزیه واریانس متغیر بیکاری نشان می‌دهد تا دوره دهم، ۵۲ درصد از

تغییرات واریانس خطای پیش‌بینی بیکاری از طریق متغیر بیکاری، ۳۵ درصد توسط شاخص رقابت‌پذیری، ۸ درصد آن به وسیله رشد اقتصادی و ۵ درصد آن از طریق شاخص سختی اخراج و استخدام، توضیح داده می‌شود. بنابراین، بدیهی است که در توجیه تغییرات نرخ بیکاری، شاخص رقابت‌پذیری نسبت به شاخص سختی اخراج و استخدام تاثیر و ماندگاری بیشتری دارد.

نتایج حاصل از تجزیه واریانس متغیر رشد اقتصادی نشان می‌دهد تا دوره دهم، ۸۸ درصد از تغییرات واریانس خطای پیش‌بینی رشد اقتصادی از طریق متغیر رشد اقتصادی و مابقی متغیرها حدود ۴ درصد در توجیه تغییرات رشد اقتصادی نقش دارند.

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از اوایل دهه ۱۹۸۰، قوانین سختگیرانه در بازارهای محصول و کار به عنوان یک عامل کلیدی ضعف در ایجاد اشتغال و نرخ‌های بالای بیکاری در بسیاری از کشورهای اروپایی به حساب می‌آید و اکثر مطالعات بر حذف یا حداقل کاهش مقررات‌گذاری بازار در زمینه‌های موانع ورودی بازار، محدودیت‌های اخراج و مزایای بیکاری تمرکز داشته‌اند. (OECD, 2005) عقیده اقتصاددانان بر این است که با حذف (بسیاری از) این مقررات، بیکاری کاهش یافته، تولید بیشتر می‌شود و اقتصاد اروپا رشد می‌کند به طوری که بعد از بحران مالی اخیر که غالب کشورهای اروپایی بدهی‌های سنگین داشته و ابزارهای سیاستی طرف تقاضا ناکارآمد شناخته شد، غالب سیاست‌گذاری‌ها به سمت مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار گرایش نشان دادند.

مقررات‌زدایی بازارهای محصول و کار اساساً در ارتباط با کاهش و بازتوزیع منافی است که منجر می‌شود بازیگران اقتصادی رفتار خود را با این توزیع جدید تنظیم کنند. بنابراین، حتی اگر مقررات‌زدایی در نهایت سودمند باشد، همراه با آثار قوی و پویای توزیعی است و دوره گذار ممکن است برای مدتی همراه با کاهش بنگاه‌های فعال، افزایش بیکاری و کاهش دستمزدهای حقیقی تا رسیدن به زمان بازیابی اقتصاد باشد. درک این تاثیرات پویا و توزیعی

حداقل به دو دلیل مهم است؛ از آنجایی که بسیاری از کشورها در مسیر مقررات‌زدایی قرار گرفته‌اند، ارائه تحلیل دقیق از تحولات اقتصاد کلان این کشورها را فراهم می‌کند. همچنین به روشن شدن محدودیت‌های اقتصاد سیاسی مقررات‌زدایی و در نتیجه بهبود طراحی آن کمک می‌کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد وضعیت بازار کار و فضای کسب و کار کشورهای منطقه منا در شرایط نامساعدی قرار دارد و در چنین شرایطی، کشورهای منطقه با انتخاب‌های دشوار و مهمی برای ایجاد شرایط مناسب به منظور رشد بیشتر بخش خصوصی و ایجاد اشتغال برای بخش بزرگ‌تری از جمعیت جوان روبه‌رو هستند. از این رو، برای عبور از شرایط فعلی لازم است سیاست‌هایی با هدف گسترش رقابت، اصلاح مقررات سختگیرانه و دست‌وپاگیر در حوزه بازارهای محصول و کار و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه کارآفرینان را در دستور کار قرار گیرد.

با وجود مطالعات زیادی که در خصوص وضعیت بازار کار و فضای کسب و کار برای کشورهای اروپایی و OECD انجام گرفته است تاکنون مطالعه‌ای در خصوص تاثیر مقررات‌زدایی در بازارهای محصول و کار بر رشد اقتصادی و بیکاری در کشورهای منطقه منا انجام نشده است به همین منظور در این مطالعه هدف بر آن بود تا تاثیر مقررات‌زدایی در بازار محصول (افزایش رقابت‌پذیری) و کار (افزایش انعطاف‌پذیری) در افق‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی و بیکاری در کشورهای منطقه منا مورد بررسی قرار گیرد و براساس آن، ضرورت اصلاح یا اولویت‌بندی مقررات‌زدایی در بازار محصول یا کار در کشورهای منطقه منا مشخص شود.

در این مطالعه تاثیر افزایش شاخص رقابت‌پذیری (تسهیل در ورود و خروج بنگاه‌ها) و افزایش شاخص سختی اخراج و استخدام (انعطاف‌پذیری بازار کار) بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ با رهیافت PANEL VAR در ۲۰ کشور منا مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که:

- افزایش رقابت در بازار محصول و انعطاف‌پذیری در بازار کار در کوتاه‌مدت باعث کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری می‌شود و آثار رکودی دارد. این امر به آن دلیل است که در

کوتاه مدت با کاهش موانع ورود و خروج به صنعت، پس انداز خانوارها برای افزایش سرمایه‌گذاری و تامین مالی بنگاه‌های جدیدالورود به صنعت افزایش یافته و به تبع آن تولید، اشتغال و مصرف کاهش می‌یابد. همچنین با ورود بنگاه‌های جدید به صنعت و افزایش رقابت، بنگاه‌های غیرمولد تعطیل و افرادی بیکار می‌شوند و از آنجایی که فرایند ایجاد شغل در بنگاه‌های جدید زمان‌بر است، از این رو، مدتی طول می‌کشد تا افراد جدید استخدام شوند. بنابراین، در کوتاه‌مدت بیکاری زیاد و تولید کاهش می‌یابد.

- افزایش رقابت در بازار محصول و انعطاف‌پذیری در بازار کار در بلندمدت باعث افزایش رشد اقتصادی و کاهش بیکاری می‌شود و آثار رونقی دارد، زیرا در بلندمدت، افزایش رقابت‌پذیری منجر به بهبود شرایط بنگاه‌ها طی زمان شده و با افزایش تعداد بنگاه‌ها، افراد جدیدی استخدام می‌شوند و منابع به سمت مصرف و سرمایه‌گذاری فیزیکی هدایت شده و اشتغال و تولید افزایش می‌یابد.

- طول موج تاثیر شاخص رقابت‌پذیری بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری متفاوت است. دلیل این اتفاق آن است که افزایش رقابت‌پذیری به طور مستقیم بخش تقاضای اقتصاد، تولید و بنگاه‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما برای کاهش نرخ بیکاری باید هر دو سمت تقاضا و عرضه بازار کار تحت تاثیر قرار بگیرند. با افزایش رقابت‌پذیری، تقاضای بازار کار و تولید بنگاه‌ها افزایش می‌یابند و این امر می‌تواند نرخ بیکاری را کاهش دهد، اما سمت عرضه بازار کار متاثر از تحولات جمعیتی، ترکیب نیروی انسانی و... نیز است که نسبت به شاخص رقابت‌پذیری کمتر واکنش نشان می‌دهد. بنابراین، تاثیر شاخص رقابت‌پذیری بر نرخ بیکاری با طول موج کمتر و کندتر از رشد اقتصادی اتفاق می‌افتد.

- مقررات‌زدایی بازار کار برخلاف بازار محصول منجر به پویایی‌های بزرگ در رشد اقتصادی و اشتغال نمی‌شود، زیرا به دلیل وجود قوانین سختگیرانه، اخراج در کشورهای منطقه منا و ایران، گستردگی بخش غیررسمی در بازار کار و استفاده گسترده بنگاه‌ها از قراردادهای موقت، بنگاه‌های اقتصادی توانسته‌اند موانع ناشی از قوانین کار را دور بزنند. از این رو، قوانین سختگیرانه بازار کار در این کشورها، نمی‌تواند عامل مهمی برای کاهش

تقاضای نیروی کار یا افزایش بیکاری باشد و به همین دلیل در کشورهای منطقه منا، شاخص رقابت‌پذیری نسبت به شاخص سختی اخراج و استخدام نیروی کار، تاثیر بیشتر و ماندگارتری بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری دارد.

نتایج فوق نشان می‌دهد که:

- ۱- برای سیاست‌گذاری در خصوص افزایش رشد اقتصادی و کاهش بیکاری در کشورهای منطقه منا، مقررات‌زدایی در بازار محصول نسبت به مقررات‌زدایی در بازار کار در اولویت قرار دارد، زیرا دارای میزان اثرگذاری بیشتر و ماندگارتری بر رشد اقتصادی و نرخ بیکاری است.
- ۲- مقررات‌زدایی در بازار محصول (افزایش رقابت‌پذیری) در کشورهای منطقه منا همانند کشورهای OECD در کوتاه‌مدت افزایش بیکاری و کاهش رشد اقتصادی را در پی دارد، اما در بلندمدت باعث افزایش رشد اقتصادی و اشتغال خواهد بود.

منابع

- اسلامولویان، کریم و جوکار، زهرا (۱۳۹۲). مصرف انرژی و رشد اقتصادی در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا: یک آزمون علیت چند متغیری. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۵۷.
- بهنیا، مهران و علویان، آرش (۱۳۹۵). بررسی تحولات بازار کار ایران و الزامات سیاستی دستیابی به رشد اشتغالزای، گزارش طرح جامع مطالعاتی اقتصاد ایران. تهران: موسسه آموزش و پژوهش در مدیریت و برنامه‌ریزی، در دست چاپ.
- پیش‌بهار، اسماعیل، قهرمان‌زاده، محمد و فرهادی، علی (۱۳۹۴). بررسی اثرات تورم بر رشد و تولید بخش‌های اقتصاد ایران با تاکید بر بخش کشاورزی. مجله اقتصاد کشاورزی، دوره ۹، شماره ۱.
- Baltagi, B. H. (2008). *Econometric analysis of panel data*, Chichester: John Wiley & Sons Ltd.
- Bassanini, A. and Duval, R., (2009). Unemployment, institutions, and reform complementarities: Re-assessing the aggregate evidence for OECD countries. *Oxford Review of Economic Policy*, 25(1), 40-59.
- Berger, H. and Danninger, S. (2006). The employment effects of labor and product markets deregulation and their implications for structural reform. CESifo Working.
- Bernal-Verdugo, L. E., Furceri, D., and Guillaume, D. (2012). Labor market flexibility and unemployment: New empirical evidence of static and dynamic effects. *Comparative Economic Studies*, 54(2), 251-273.
- Bertrand, M. and F. Kramarz (2002). Does entry regulation hinder job creation? Evidence from the French retail industry. *Quarterly Journal of Economics*, 117, 1369-1413.
- Blanchard, O. and F. Giavazzi (2002). Macroeconomic effects of regulation and deregulation in goods and labor markets. *Quarterly Journal of Economics*, 117, 879-907.
- Bond, S. R. (2002). Dynamic panel data models: A guide to micro data methods and practice. *Portuguese Economic Journal*, 1(2), 141-162.
- Botero, J. C., Djankov, S., La Porta, R., et al., (2004). The regulation of labor. *Quarterly Journal of Economics*, 119(4), 1339-82.
- Cacciatore, M., and Fiori, G. (2016). The macroeconomic effects of goods and labor markets deregulation. *Review of Economic Dynamics*, 20, 1-24.

- Griffith, R., Harrison, R. and Macartney, G. (2007). Product market reforms, labour market institutions and unemployment. *Economic Journal*, 117(519), C142–C166.
- Feldmann, H., (2009). The unemployment effects of labor regulation around the world. *Journal of Comparative Economics*, 37(1), 76–90
- Fiori, G., Nicoletti, G., Scarpetta, S., and Schiantarelli, F. (2012). Employment effects of product and labour market reforms: Are there synergies?. *The Economic Journal*, 122 (558).
- International labour organization, World Employment and Social Outlook-Trends 2018.
- OECD (2005): Taking stock of structural policies in OECD countries, economic policy reforms: Going for growth.
- OECD (2012): Structural reforms in times of crisis, economic policy reforms: Going for growth.
- Peltzman Sam (1976). Toward a more general theory of regulation. *The Journal of Law and Economics*, 19(2), 211-240.
- World Development Indicator (2017).